

مراحل الگوی تربیت معنوی در آموزه‌های اسلامی *

□ محمدعارف صداقت **

□ مجید طرقي ***

چکیده

تحقیق حاضر، با عنوان «مراحل الگوی تربیت معنوی در آموزه‌های اسلامی»، به بررسی الگوی تربیت در آیات و روایات پرداخته است. در عصر حاضر، الگوهای فراوانی برای تربیت معنوی و رسیدن به معنویت وجود دارد. «تربیت معنوی» با تکیه بر آموزه‌های اسلامی یکی از الگوهای مهم تربیتی محسوب می‌شود. هدف از بررسی الگوی تربیت معنوی در قرآن و روایات، گامی در جهت سیراب کردن بشر تشنه از معنویت است تا بتواند مسیر درست زندگی را بی‌یابد و به تنظیم بهتر رابطه انسان با خودش، خداوند، هموعان و طبیعت بپردازد. این پژوهش، بر ارائه مراحل الگوی تربیت معنوی در آموزه‌های اسلامی، شامل آماده‌سازی، شناخت، درونی‌سازی و اعمال صالح تاکید دارد که در راستای تحصیل سعادت دنیوی و اخروی است.

روش تحقیق در این مقاله، روش تحلیلی - توصیفی با تحلیل و استنتاج از محتوا است، روش گردآوری مطالب، اسنادی است و با استفاده از کتابخانه و تحلیل آیات قرآن کریم و احادیث و دسته‌بندی آن‌ها، الگوی تربیت معنوی استخراج گردیده است.

واژگان کلیدی: مراحل، الگو، تربیت معنوی، الگوی تربیت معنوی.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۲/۱۵.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول در جامعه المصطفی علیه السلام با عنوان «الگوی تربیت معنوی در قرآن کریم و روایات» می‌باشد.

** دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، مجتمع عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، افغانستان: (arefsadaqat@gmail.com).

*** گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، قم، ایران: (toroghimajid@gmail.com).

مقدمه

مقاله حاضر، برای این منظور تدوین شده که الگوی تربیت معنوی از منظر و دیدگاه قرآن کریم و روایات را برای تشنگان تربیت معنوی ارائه کند.

امروزه برخی انسان‌ها خود را از دین بی‌نیاز می‌پندارند و دین و سیاست و دین و زندگی را دو حوزه جدا از هم می‌دانند. درعین حال که بشر در اوج قدرت اقتصادی و فکری خویش، به سر می‌برد، ولی با همه این توانمندی، به خاطر اشتباه در تشخیص، به معنویت و عرفان‌های نوظهور رو می‌آورد که نشانگر ناتوانی فکری بشر و در مقابل نشانه نیاز روح تشنه انسان به معنویت است؛ به همین دلیل معنویت‌های نوظهور با الگوهای انحرافی در حال گسترش است.

از آنجا که آخرین الگوی بشر، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و آخرین دین و کامل‌ترین دین در میان ادیان الهی، دین اسلام است؛ پس، الگوی تربیت معنوی در آموزه‌های اسلامی نیز، بهترین الگوی تربیت معنوی خواهد بود و لازم است برای تبیین ابعاد آن در این زمینه تحقیق و بررسی انجام شود.

برخی از روان‌شناسان و نیز مکاتبی که اساساً نمی‌توان آنها را در چارچوب دین در نظر گرفت، راهکارهایی را برای تربیت معنوی ارائه داده‌اند، ولی در اسلام به شکل دیگری این الگو مطرح گردیده که حکایت از توجه به نیازهای اساسی انسان دارد؛ زیرا انسان نیازمند راهی است که واقعاً بتواند او را به کمال و سعادت برساند که موجب سعادت و خوشبختی انسان در دنیا و آخرت شود.

گرایش‌های برتر یا تمایلات عالی درونی انسان در قالب ارتباط با معبود است که نیازمند تربیت معنوی است؛ این پژوهش، با استفاده از آموزه‌های اسلامی، به ارائه الگوی تربیت معنوی بشر پرداخته است.

تربیت معنوی

تربیت معنوی، یکی از ساحت‌های تربیت است که با رویکرد مقایسه‌ای میان دینی و

غیردینی، به صورت کلی، حداقل دو معنی استخراج می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. تربیت خداگرا (انتظامی، ۱۳۹۵: ۵۲). ۲. هر نوع تربیت که معنایی را در زندگی، در نظر گرفته باشد؛ چه در آن خداگرایی باشد یا خیر.

در میان کسانی که طبق معنای دوم،^۱ تربیت معنوی را تبیین کرده‌اند، تنوع دیدگاه‌ها وجود دارد و دلیل آن نیز، این است که درباره معنویت، معانی مختلفی ارائه گردیده و این تنوع معنا، به «تربیت معنوی»، معانی ویژه‌ای می‌بخشد؛ از این رو، در شکل‌گیری چرایی و چگونگی آن، تفاوت ماهوی ایجاد می‌کند.

هند (Hand) (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «معنا و مفهوم تربیت معنوی»، سعی کرده است تا تحلیل فلسفی از معنای تربیت معنوی ارائه کند که خلاصه آن، یک نظام طبقه‌بندی منطقی از ترکیب کلمات معنویت و تربیت را تشکیل داده و در نهایت، چهار معنا را برای تربیت معنوی انتخاب کرده است: ۱. تربیت، بر اساس اصول معنوی؛ ۲. تربیت روح انسان؛ ۳. تربیت در یک فعالیت معنوی؛ ۴. تربیت در یک گرایش یا حالت معنوی. بدین ترتیب، تربیت معنوی - که در بعد شناختی، بر بینش‌ها استوار است و در بعد عاطفی، بر گرایش‌ها متکی است و در بعد عملی، بر فعالیت‌های خاص یا عمل صالح وابسته است - در همه ابعاد زندگی انسان، تأثیر می‌گذارد و به نظر می‌رسد تربیت معنوی، به لحاظ گفتمان عصر معنویت‌گرایی، بیش از سایر عناوین تربیت، مدنظر قرار می‌گیرد و در قالب تربیت دینی بیشتر نمود پیدا خواهد کرد» (مرادی، سیدکلان، عیاری، ۱۳۹۳: ۱/۱۲۲).

برخی، تربیت معنوی را همان، تربیت عرفانی گرفته و چنین معنی کرده‌اند: تربیت معنوی عرفانی، عبارت است از: زمینه‌سازی، برای شکوفاسازی و تعالی بخشی نیازها و ظرفیت‌های معنوی متربیان، در چارچوب شریعت و آماده‌سازی آنان، برای طی کردن مراحل سیر و سلوک و رسیدن به معرفت الله و شهود حق (شاملی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۷۷).

در تعریف دیگری گفته‌اند: تربیت معنوی، تربیتی است که مبتنی بر آموزه‌های دینی باشد. با این توضیح، تربیت معنوی در همان سازوکار جهت‌دهی به پذیرش ایمان، تلقی می‌شود و از آنجاکه از نظر دین‌داران، کسی جز خداوند صلاحیت تعیین جهت‌ها را ندارد؛ بنابراین،

بهترین منبع برای جهت‌دهی به انسان، همان منابع موجود در دین است. این معنویت، از راه اثرگذاری در باورها، شناخت‌ها، هیجانات و رفتارهای فرد ممکن است (باغ‌گلی، ۱۳۹۰: ۶).

تعریف برگزیده از تربیت معنوی. هدف از خلقت انسان، آن است که به کمال دست یابد. کمال هر چیزی نیز، برحسب خودش سنجیده می‌شود. انسان، استعداد‌های فراوانی دارد که با جهت‌دهی درست آن، می‌توان او را به سمت کمال هدایت کرد. بنابراین، می‌توان چنین گفت که تربیت معنوی عبارت است از شکوفاسازی همه استعداد‌های معنوی، برای رسیدن به کمال مطلوبی که آرامش دنیا و سعادت آخرت بشر را تأمین کند.

ازانجا که کمال مطلوب انسان، قرب الهی و نزدیک شدن به خداوند منان است؛ پس، بایستی از طریق مرجعه به آموزه‌های شریعت به کمال مطلوب دست یافت. ازاین‌رو، در تعریف نهایی مذکور، بر شکوفاسازی استعداد‌های انسان تأکید گردیده است که کمال نهایی و مطلوب انسان، فراتر از حیات دنیا را در نظر دارد.

الگوی تربیت معنوی

الگوی تربیت معنوی، عنوانی است که از کلمات «الگو» و «تربیت معنوی»، ترکیب شده است. با توجه به معنای استخراج‌شده از واژه‌های «الگو»، «تربیت» و «معنویت»، می‌توان مفهوم ترکیب‌شده‌ی ذیل را به‌دست آورد: «الگوی تربیت معنوی».

مراد از این مفهوم توجه به مدلی، برای زمینه‌سازی رشد معنوی انسان است که بتواند، انسان را به کمال حقیقی برساند و در بعد شناختی بر بینش‌ها، در بعد عاطفیف بر گرایش‌ها و در بعد عملی، بر فعالیت‌های خاص زندگی انسان تأثیر بگذارد.

کارکرد الگوی تربیت معنوی قرآنی، رهنمایی و تربیت انسان به سمت کمال نهایی است که یکی از آثار آن، عبودیت و بندگی خداوند و سازگاربودن با بندگان خداست. هنگامی که الگوی تربیت معنوی، در قرآن کریم و روایات مطرح می‌شود، مراد آن است که ما از قرآن کریم و روایات، آموزه‌هایی را استخراج و استنباط کنیم که بتواند اهداف تربیت معنوی را تحقق بخشد.

با توجه به تعریف الگو و تربیت معنوی، الگوی تربیت معنوی شامل دو بخش نظری و عملی است؛ الگوی نظری تربیت معنوی مؤلفه‌هایی دارد که در ادامه بیان می‌کنیم:

نخستین مؤلفه آن، توجه به حقیقت انسان است. در منابع دین اسلام، انسان‌ها مانند معادن طلا و نقره شمرده شده‌اند: «الْإِنْسَانُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۳۸۰) که پیامبران برای استخراج این معادن آمده‌اند. در اعماق ضمیر ما، دریایی از ذخایر معنوی نهفته است که باید به آن دسترسی پیدا کنیم (شجاعی، ۱۳۸۷: ۴۵).

دومین مؤلفه این الگو، اهدافی است که انسان باید به آنها دست یابد. از دیدگاه اسلام، هدف آفرینش انسان، رسیدن به معرفت الهی است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)؛ واژه «يَعْبُدُونَ» به معنای یعرفون است، برخی از مفسران به تبع از حدیث امام علی (ع) عبادت و معرفت را یکی به حساب آورده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲/۱۲۱۲).

کسی که معرفت دارد، به سمت عبادت رومی‌آورد (کاشانی، ۱۴۱۰: ۳/۱۴۱۳)، افزون بر اینکه در روایات، معرفت مقدمه پرستش به حساب آمده است، چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید: روزی امام حسین (ع) در میان یاران خویش فرمود: «ای مردم خداوند بندگان را تنها برای این آفریده است که او را بشناسند و آنگاه او را می‌پرستند که او را بشناسند، وقتی از پرستش دیگران دست می‌کشند که او را پرستند» (صدوق، ۱۳۸۵: ۹/۱).

برای اینکه انسان به این هدف (عبادت خدا) دست یابد، خداوند همه مخلوقات خویش را وسیله‌ای برای رسیدن به این غایت قرار داده است، چنان‌که قرآن در آیات مختلف این نکته را یادآور شده که همه مخلوقات، در خدمت این هدف انسان قرار دارد: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (لقمان: ۲۰).

مؤلفه سوم الگوی تربیت معنوی، بایدیهایی است که از حقیقت و هدف یادشده، استخراج می‌گردد که این بایدها به کلی و جزئی قابل تقسیم است. از بایدهای کلی به عنوان اصول یاد کرده‌اند که در ادامه به برخی اصول و روش‌ها اکتفا می‌شود:

ازجمله اصول کلی، اصل تغییر ظاهر است که امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنْ لَمْ تَكُنْ

حَلِيمًا فَتَحَلَّمَ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا وَ أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۲۶۹). در مقابل آن، باید‌های جزئی که از اهداف استخراج می‌شود، به‌عنوان روش استفاده می‌شود که در برابر این اصل، یکی از روش‌ها تلقین به نفس است (خسروشاهی، ۱۳۸۵: ۹۳) تا انسان به آن هدف دست یابد و بتواند گوهر وجودی‌اش را به دست آورد.

در الگوی عملی نیز این نکته قابل توجه است که نخست باید فرد، خود را بشناسد؛ زیرا معرفت نفس منجر به معرفت رب می‌شود. منظور از شناخت خود، شناخت ارزش، منزلت و جایگاه انسانی خویش است؛ چنان‌که در سخن امام علی علیه السلام آمده است: «الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ»؛ دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان، این بس که ارزش خویش را نداند (نهج‌البلاغه ترجمه دشتی، ۱۳۸۰: ۱۹۱).

کسی که خود را این‌گونه شناخت، باید شناخت و ارزش‌ها در او عمیق و درونی‌سازی شود تا به‌راحتی به سمت معنویت حرکت کند که از آن به الگوی پالایشی یادکرده‌اند؛ پس به دلیل اینکه انسان ذاتاً ارزش‌گراست و گرایش فطری به معنویت دارد، از طریق روش تدریج باید ارزش‌ها را برای مربی نهادینه کرد و استعداد‌های بالقوه او را به فعلیت درآورد.

پیشینه تحقیق

می‌توان ادعا کرد که درباره الگوی تربیت معنوی کاری نشده است، البته در تحقیقات مختلفی به برخی از ابعاد مرتبط با بحث الگوی تربیت معنوی پرداخته شده است. در ادامه، به تعدادی از این آثار اشاره می‌شود.

۱. سلحشوری، احمد (۱۳۹۰). *حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی*. این مقاله حدود و ثغور بین سه مفهوم تربیت اخلاقی، معنوی و دینی را مشخص می‌سازد و در این زمینه، بحث کرده است که تربیت معنوی، زیرمجموعه تربیت دینی است یا برعکس که درنهایت، به این نتیجه می‌رسد که غایت تربیت اخلاقی، تربیت معنوی است و غایت تربیت معنوی نیز تربیت دینی است؛ پس تربیت دینی و تربیت معنوی یکی نیستند؛ زیرا خود معنویت نیز دینی و غیردینی دارد؛ ولی این مقاله به الگو نپرداخته است.

۲. مرادی، مسعود و سیدکلان، میر محمد و عیاری، لیلا. (۱۳۹۳). *طراحی الگوی برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارهای اجرایی آن*. این مقاله، با روش تحقیق کیفی و با نوع تحقیق بنیادی، راهبردها و راهکارهای اجرایی برای نظام تعلیم و تربیت ایران ارائه داده و تفکرات و اندیشه‌های نوین در عرصه تربیت معنوی و برنامه درسی را بررسی کرده است و مبانی فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی برنامه درسی و عناصر آن را معرفی کرده است که شامل اهداف، محتوا، روش‌ها و شیوه‌های ارزشیابی می‌شود.

در نتیجه، الگوی پیشنهادی در راستای تربیت زمینه‌ساز را برای متخصصان امر، ترسیم کرده است؛ اما در این مقاله، الگویی برای تربیت معنوی ارائه نگردیده است.

۳. باغ‌گلی، حسین و شعبانی ورکی، بختیار و نهاوندی، علی و غفاری، ابوالفضل. (۱۳۹۴). *تحلیل و نقد رویکردهای تربیت معنوی نوپدید؛ بررسی الگوی معنویت باوری فارغ از دین*. در این نوشته، رویکردهای تربیت معنوی در اردوگاه معنویت باوران فارغ از دین، نقد و بررسی گردیده و پس از نقد رویکردهای تربیت معنوی نوپدید، به این نتیجه دست یافته که معنویت‌های نوپدید، به‌رغم اثرگذاری‌های مقطعی و موضعی، به دلیل نداشتن ساختار متناسب با شرایط وجودی انسان، در درازمدت با دشواری مواجه هستند.

۴. کیانی، معصومه و مهر محمدی، محمود و صادق زاده قمصری، صادق و نوذری، محمود. (۱۳۹۴). *تبیین رویکردهای موجود درباره تربیت معنوی کودکان و نقد آن‌ها با تأکید بر آموزه‌های اسلامی*. در این مقاله، رویکردهای موجود درباره مفهوم تربیت معنوی کودکان نقد گردیده و تربیت معنوی کودکان در جهان‌بینی دینی و غیردینی، باهم مقایسه شده است. مهم‌ترین نقص تربیت معنوی غیردینی کودکان این است که تربیت معنوی به پرورش یک بعد می‌پردازد و از سایر ابعاد غفلت می‌کند و در پایان الگوی اسلامی تربیت معنوی کودکان را مطرح ساخته است.

۵. بناهان، مریم و فرازی، عباس. (۱۳۹۶). *تربیت معنوی در اندیشه‌های پست مدرن*. در این نوشتار، سعی کرده‌اند جایگاه مؤلفه‌ها و شاخص‌های معنویت و تربیت معنوی را از

دیدگاه پست مدرنیسم، تبیین کنند و به این نتیجه دست یافته‌اند که معنویت، ابزاری برای دستیابی به آرامش کاذب به شکل موقتی است، درحالی که تربیت معنوی حقیقی، انسان را از خودمحوری دور کرده و به دیگر دوستی و توجه به رنج دیگران، حساس می‌کند.

مراحل تربیت معنوی در آموزه‌های اسلامی

الگوی تربیت معنوی در قرآن، از توجه به آیات قرآن کریم و روایات استنباط می‌شود. وقتی محتوای آیات قرآن کریم بررسی شود، می‌توان بر اساس آن، مراحل را برای تربیت معنوی استنباط و در نظر گرفت:

(الف) زمینه‌سازی (تزکیه)؛

(ب) ایجاد شناخت (تعلیم)؛

(ج) درونی سازی باورها؛

(د) عمل صالح؛

(هـ) زندگی پاکیزه و رشد.

بنابر آنچه از آیات قرآن کریم و روایات استنباط می‌شود، در مرحله نخست، تزکیه و زمینه‌سازی قرار دارد. سپس، مرحله تعلیم و آموختن دانش است و آنگاه ایمان و درونی سازی ارزش‌هاست و در مرحله بعد عمل صالح است؛ اگر این مراحل پیموده شود، تربیت معنوی، کامل می‌شود، این مراحل را، می‌توان از آیات مختلف استخراج کرد:

(الف) در سه آیه، سخن از تعلیم و تزکیه مطرح گردیده است:

۱. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (آل عمران: ۱۶۴)؛ خدا بر مؤمنان انعام فرمود، آنگاه که از خودشان به میان خودشان پیامبری مبعوث کرد تا آیاتش را بر آن‌ها بخواند و پاکشان سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد، هرچند از آن پیش در گمراهی آشکاری بودند.
۲. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه: ۲)؛ اوست

خدایی که، به میان مردمی بی‌کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

۳. رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (بقره: ۱۲۹)؛ پروردگارا، از میان آن‌ها پیامبری مبعوث گردان تا آیات را برای آن‌ها بخواند و به آنان کتاب و حکمت آموزد و آنان را پاکیزه سازد؛ زیرا تو پیروز و حکیم هستی.

البته به این نکته باید توجه کرد که در دو آیه، تزکیه قبل از تعلیم قرار دارد و این تقدم بیانگر اهمیت آن است؛ چنان‌که دیگر مفسران نیز، چنین استنباط کرده‌اند؛ ازجمله در فرهنگ قرآن چنین می‌نویسد: از تقدم ذکر تزکیه بر تعلیم، می‌توان تقدم واقعی و اهمیت تزکیه نسبت به تعلیم را برداشت کرد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۴۷/۸).

از روایات، چنین استفاده می‌شود که شناخت مقدم بر رفتار است، در حدیثی می‌فرماید: وَ الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَ الْعَمَلُ تَابِعُهُ يُلْهِمُهُ اللَّهُ السُّعْدَاءَ وَ يَحْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءَ (صدوق، ۱۳۶۲: ۲/۵۲۳)؛ علم پیشگام عمل و عمل پیرو علم است. خداوند، علم را به نیک‌بختان الهام می‌کند و بدبختان و اشقیاء را، از آن محروم می‌سازد.

مرحله اول: زمینه‌سازی (تزکیه)

تزکیه از باب تفعیل از ماده «زکو» و «زکی» (با «واو» و «یاء») آمده است و هر دو، به معنای رشد و نمو و افزایش است^۲ (فیروزآبادی، ۱۴۲۹: ۵۶۷).

صاحب معجم مقایس نیز، درباره تزکیه چنین نگاشته که تزکیه را، به معنای نمو و زیادت شمرده‌اند. گفته می‌شود طهارت، زکات مال است. او از برخی نقل کرده که زکات را، به این دلیل زکات نامیده‌اند که امید می‌رود به سبب زکات، مال افزایش و نمو یابد، برخی زکات را، زکات نامیده‌اند؛ چراکه زکات، طهارت است؛ دلیل آن نیز، سخن خداوند است که فرمود: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه: ۱۰۳)؛ از اموال آن‌ها صدقه‌ای

(به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله آن، آن‌ها را پاک‌سازی و پرورش دهی!». در پایان چنین می‌نویسد: «الأصل في ذلك كله راجع إلى هذين المعنيين وهما التَّماء و الطَّهارة» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۷/۳)؛ اصل در تزکیه این است که همه معانی به دو معنای نمو و طهارت برمی‌گردد.

در تزکیه معنای ایجابی و سلبی نهفته است، معنای ایجابی آن، همان رشد و نمو است و معنای سلبی آن، پاک ساختن نفس از رذایل و زدودن آلودگی‌ها است تا زمینه‌ای برای رشد و نمو فراهم شود، به تعبیر حافظ: «دیو چو بیرون رود فرشته درآید».

در کتاب العین، همین معنای از تزکیه را پذیرفته است:

التَّزْكِيَةُ «التَّطْهِيرُ مِنَ الْأَخْلَاقِ الذَّمِيمَةِ النَّاشِئَةِ مِنْ شَرِّ الْبَطْنِ وَالْكَلامِ وَالْغَضَبِ وَ الْحَسَدِ وَالْبَخْلِ وَ حُبِّ الْجَاهِ وَ حُبِّ الدُّنْيَا وَ الْكِبَرِ وَ الْعَجَبِ (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/ ۲۰۳)؛ تزکیه پاک ساختن نفس از اخلاق مذموم است که ناشی از بدی‌های درونی، کلام، خشم و حسد، بخل و دوستی مقام و دنیا، کبر و خودپسندی باشد.

از دیدگاه مؤلف التحقیق فی کلمات القرآن الکریم نیز، فرق میان تطهیر، تزکیه و تهذیب این است که در تطهیر، حصول طهارت در برابر رجس و پلیدی مد نظر است. در تزکیه، برطرف ساختن آن چیزی که خارج کردنش لازم است مورد توجه است و در تهذیب، حصول صلاح و خلوص مد نظر است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۴/۳۵۳).

بنابراین در تهذیب و تطهیر، فرد درصدد است تا چیزی را به دست آورد، ولی در تزکیه درصدد است تا چیزی را برطرف سازد؛ هرچند در هر سه، نتیجه یکسان بدست می‌آید.

تزکیه هم معنای اثباتی دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۷/۳)، هم جنبه نفیی؛ در جنبه نفیی، باید بدی‌ها دفع شود، و از جنبه اثباتی، باید فضیلت‌ها محقق شود.

مرحوم علامه در تفسیر کلمه تزکیه می‌نویسد: «يُتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا»، کلمه: «آیاتنا» ظهور در خود آیات قرآن دارد، چون قبل از آن کلمه «یتلوا» آمده و معلوم است که تلاوت، در مورد الفاظ استعمال می‌شود، نه معانی. اما کلمه «تزکیه» به معنای تطهیر است و تطهیر عبارت است از زایل کردن پلیدی‌ها و آلودگی‌ها، در نتیجه کلمه تطهیر هم اعتقادات فاسد،

چون شرک و کفر، هم ملکات رذیله، چون تکبر و بخل و هم اعمال فاسد و شنیع، چون کشتن و زنا و شراب‌خواری را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۴۹۶). از دیدگاه ایشان، کلمه «تزکیه» مصدر «یزکیهم» و مصدر از باب تفعیل است؛ مصدر ثلاثی مجرد آن «زکات» است که به معنای نمو صالح است، نموی که ملازم خیر و برکت باشد. پس، تزکیه مردم آن است که ایشان را به سمت نموی صالح، رشد دهد و به اخلاق فاضله و اعمال صالحه عادت دهد، در نتیجه، در انسانیت خود به کمال برسند و حالشان در دنیا و آخرت استقامت یابد، سعید زندگی کنند و سعید بمیرند (همان: ۴۴۷).

- مرحوم طبرسی، در بیان واژه «وُزِّكِيهِمْ» می‌نویسد: در معنای این جمله چهار قول است:
۱. ابن عباس می‌گوید «وُزِّكِيهِمْ» یعنی: پیغمبر مردم را نسبت به خداوند مطیع و مخلص بگرداند؛ زیرا «زکاء» به معنای اطاعت و اخلاص است.
۲. ابن جریح معتقد است معنای «وُزِّكِيهِمْ» آن است که مردم را، از آرایش شرک پاک سازد.
۳. جبائی می‌گوید «یزکیهم» یعنی پیغمبر مردم را به افعال و اعمالی دعوت کند که انجام آن‌ها، وسیله تقویت ایمان مردم گردد.
۴. اصم، معتقد است که منظور از این کلمه آن است که پیغمبر در روز قیامت، به پاکیزگی پیروان خود شهادت دهد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۶۲).
- شیخ طوسی می‌نگارد: وُزِّكِيهِمْ به معنای این است که خداوند آنان را از آلودگی شرک پاک می‌سازد و به سوی ایمان راهنمایی می‌کند. آنگاه آنان را از تزکیه شدگان قرار می‌دهد (طوسی، ۱۴۱۰: ۴/۱۰). به تعبیر حافظ:

گوهر پاک بپاید که شود قابل فیض ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود
(حافظ شیرازی).

در واقع زمینه‌سازی و تزکیه، مقدمه پیمودن مراحل سلوک چهارگانه عرفانی است که درباره آن گفته‌اند: به باور اهل معرفت و سلوک، در یک نگاه کلی و جامع می‌توان مراحل سیر و سلوک الی الله را به چهار مرحله اصلی تقسیم کرد: «تخلیه»، یعنی تهی ساختن درون از رذیلت‌های اخلاقی؛ «تحلیه»، یعنی آراستن به فضایل اخلاقی؛ «تجلیه»، یعنی تابیدن انوار

الهی بر قلب و «فنا»، یعنی گذار از همه ما سوی و وصول به حق متعال (میری، ۱۳۹۹: ۶۰).
از مجموعه معانی تزکیه چنین استخراج می‌گردد که قبل از به کمال رساندن، باید زمینه را فراهم سازد و در تربیت افراد نیز، نخستین قدم مهم، زمینه‌سازی است؛ پس، زمانی که زمینه برای تربیت معنوی فراهم نگردیده، تربیت معنوی امکان ندارد به تعبیر صائب تبریزی:
آینه شو، وصال پری طلعتان طلباول بروب خانه، دگر میهمان طلب

مرحله دوم: ایجاد شناخت (تعلیم)

همان‌گونه که از آیات چهارگانه استفاده شد، تعلیم پس از تزکیه و در مرحله دوم قرار دارد، ایجاد شناخت، مرحله بسیار با اهمیتی است که لازم است به‌صورت تفصیلی بحث و بررسی گردد؛ ازاین‌رو، نخست باید مقصود از شناخت روشن نموده، سپس اهمیت، انواع و مدل‌های آن را یادآوری کرده، آنگاه قلمرو آن را بررسی کنیم.

الف) تعریف شناخت

شناخت قلمرو بسیار گسترده دارد، شناختی که در الگوی تربیت معنوی مطرح می‌گردد، شامل شناخت خدا، شناخت خویش، شناخت طبیعت و در کل، شناخت هستی و شناخت حلال و حرام خدا می‌شود.

امروزه شناخت‌شناسی، یک دانش مستقل است؛ ولی شناخت در علوم تربیتی با شناخت در معرفت‌شناسی، تفاوت دارد. شناخت در علوم تربیتی نزدیک به معنای لغوی است که همان دانستن است؛ پس، کسبِ شناخت درباره جهان هستی، یعنی دانستنِ جهان هستی.

برخی از منابع درباره تعریف شناخت چنین بیان کرده‌اند که:

اصطلاح شناخت به فرایندهای درونی ذهنی یا راه‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها اطلاعات پردازش می‌شوند، یعنی راه‌هایی که به‌وسیله آن‌ها اطلاعات را موردتوجه قرار می‌دهیم، آن‌ها را تشخیص می‌دهیم و به رمز درمی‌آوریم و در حافظه ذخیره می‌سازیم و هر وقت که نیاز داشته باشیم، آن‌ها را از حافظه فرامی‌خوانیم و مورد استفاده قرار می‌دهیم (سیف، ۱۳۹۵: ۴۸۸).

شناخت، گاهی نسبت به جهان است، گاهی نسبت به خود و گاهی نسبت به خداوند است؛ تمام انواع شناخت‌ها، باهم در ارتباط هستند. آگاهی بخشی نسبت به خود، اولین گام تربیت معنوی انسان است، آگاهی از خود، یعنی اینکه بدانی در چه مرحله‌ای هستی و نیازهایت چیست؟ هدف از خلقت تو چه چیزهایی است؟ خصوصیات و ویژگی‌های شما کدام است؟ این‌ها همه آگاهی هستند که باید آن را داشته باشی، تا به سمت برآورده ساختن آن حرکت کنی.

ب) تأثیر شناخت در تربیت معنوی

هنگامی که تربیت معنوی مطرح می‌گردد، بدون شناخت مسیر که همان حلال و حرام خدا باشد، تربیت معنوی میسر نیست و این نوع شناخت، انسان را از جهل به احکام و حدود الهی می‌رهاند و به سمت معرفت و عمل به حلال و حرام خدا سوق می‌دهد که منجر به تربیت معنوی می‌شود.

شناخت خدا، سبب تقرب به کمال مطلق می‌گردد و هدف در الگوی تربیت معنوی، رسیدن انسان به کمال مطلق است که از راه معرفت و پرستش کمال مطلق، ممکن است؛ بدون شناخت خدا، تربیت معنوی ممکن نیست. همچنین، شناخت خویش و شناخت طبیعت نیز، در تربیت معنوی اثرگذار است؛ چرا که استعدادهای انسان بدون شناخت کامل درباره خودش، به خوبی شناسایی نشده و به هدر خواهد رفت و از آنجا که طبیعت و آفاق عالم، به عنوان آیت و نشانه الهی، حکایت‌گر خالق هستی است؛ با شناخت طبیعت نیز، می‌توان قدم در مسیر تربیت معنوی نهاد.

مرحله سوم: درونی سازی باورها

وقتی باورها درونی شد، ایمان شکل می‌گیرد؛ ازاین‌رو، ایمان مجموعه‌ای از باورها و اعمالی است که انسان‌های مؤمن را به سمت معرفت توأم با عمل به گزاره‌های دینی سوق می‌دهد، رسول خدا ﷺ فرموده است: «(الْإِيمَانُ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ)»

(بیهقی، ۱۴۱۰: ج ۱ / ۴۸). در برخی از منابع، «عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» آمده است (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۷۸). در برخی از منابع، افزون بر «عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» از زبان رسول خدا ﷺ، به جای «مَعْرِفَةُ الْقَلْبِ» واژه «عَقْدٌ بِالْقَلْبِ» و در برخی از منابع «تَصْدِيقٌ بِالْقَلْبِ»، آمده است: «الْإِيمَانُ عَقْدٌ بِالْقَلْبِ، وَ نُطْقٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۴۹). چنان که امیر المؤمنین می‌فرماید: «سَأَلْتُ النَّبِيَّ عَنِ الْإِيمَانِ قَالَ: تَصْدِيقٌ بِالْقَلْبِ، وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (همان: ۲۸۴).

ایمان، عبارت است از اقرار با زبان و تصدیق با قلب. بنابراین اقرار به تنهایی، ایمان نیست؛ زیرا اگر اقرار تنها، ایمان بود، می‌بایست تمام منافقان مؤمن باشند؛ ایمان معرفت به تنهایی نیز، نیست (تصدیق محض)؛ زیرا، اگر معرفت تنها ایمان بود، می‌بایست تمام اهل کتاب مؤمن باشند، چنان که عمل، غیر از ایمان و ایمان غیر از عمل است؛ چون بسیاری از اوقات، عمل از انسان مرتفع می‌شود، اما نمی‌توان ایمان را از مؤمن مرتفع دانست؛ به عنوان مثال، جایز است بگوئیم زکات بر فقیر واجب نیست؛ اما جایز نیست بگوئیم ایمان بر فقیر واجب نیست (شبلی نعمانی، ۱۳۸۶: ۱۸۶).

وقتی معرفت درونی شد، به دنبال آن عمل خواهد آمد و با سهولت بیشتری می‌توان افراد را به سمت و سوی مورد نظر، سوق داد و تربیت کرد.

مرحله چهارم: عمل صالح

عمل صالح که در قرآن، بارها تکرار گردیده است،^۳ در بسیاری از موارد، توأم با ایمان آمده است. در عین حال، هر جا ایمان، همراه با عمل صالح ذکر گردیده، ایمان مقدم بر عمل صالح است، از مقدم بودن ایمان بر عمل صالح در برخی از آیات قرآن، می‌توان چنین فهمید که مرتبه ایمان، پیش از عمل و شناخت مقدم بر رفتار است، چنان که در حدیث چنین وارد شده است:

بِالْعِلْمِ يَطَاعُ اللَّهُ وَ يُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ يَعْرِفُ اللَّهُ وَ يُؤْخَذُ [يُؤْخَذُ] وَ بِالْعِلْمِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ وَ بِهِ يَعْرِفُ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَ الْعَمَلُ تَابِعُهُ يَلْهَمُهُ اللَّهُ السَّعَادَةَ وَ يَحْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءَ (صدوق، ۱۳۶۲: ۲ / ۵۲۳)؛ با علم، خداوند

اطاعت و عبادت می‌شود و با علم، خداوند شناخته و تنزیه می‌شود و با علم، صله رحم می‌شود و با دانش، حلال و حرام را می‌توان شناخت. علم، پیشگام عمل و عمل پیرو علم است. خداوند، علم را به نیک بختان الهام می‌کند و بدبختان و اشقیا را از آن محروم می‌سازد. زیرا ایمان و درونی سازی، مقدم بر عمل است.

عمل صالح چیست؟ معنای عمل روشن است؛ پس، باید معنای صالح را بررسی کرد. صالح به معنای شایسته، یا فرد و چیزی است که شایسته و خوب باشد و در آن فساد نباشد و عمل صالح (کار شایسته)، آن است که مطابق عدل و انصاف باشد که قهراً مفید و مورد رضای خداست (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۴/۱۴۱). پس عمل صالح، یعنی عمل شایسته و خوب؛ ولذا، واژه عمل صالح به هر عمل خوب صدق می‌کند.

مصادیق عمل صالح. در تفسیر روض الجنان، می‌نویسد: مراد از عمل صالح، اخلاص در عمل است. به دلیل آیه: «فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» (کهف: ۱۱۰)؛ ای خالصاً لله تعالی. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده‌اند مراد از عمل صالح، نمازهای پنجگانه است. برخی گفته‌اند: عمل صالح دو رکن اساسی دارد؛ نیت پاک و کار مفید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۲۷). از عبدالله بن عباس، نقل شده که مراد از آن، عمل خالی از ریا است؛ چنان‌که معاذ بن جبل می‌گوید: مراد، چیزی است که در آن چهار خصلت باشد: علم، نیت، صبر و اخلاص؛ و اقوال دیگری وجود دارد که عمل صالح را به معنای ادای امانت و عمل توبه‌کننده، در نظر گرفته است؛ همان‌گونه که گفته‌اند: بهتر آن است که عمل صالح، بر همه این معانی حمل شود، زیرا بین‌شان تنافی نیست (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۱/۱۶۹).

مرحله پنجم: زندگی پاکیزه

در حقیقت، زندگی پاکیزه، نتیجه طی مراحل چهارگانه یادشده است که الگوی تربیت معنوی آن را تأمین می‌کند؛ در این زمینه، توضیحات بیشتری لازم است که در ادامه به تفصیل به آن می‌پردازیم: وقتی ایمان و عمل صالح در کسی جمع شود، زندگی پاکیزه را شکل می‌دهد، زیرا زندگی می‌تواند اقسام مختلف داشته باشد، ولی طبق آنچه در قرآن مطرح گردیده، زندگی از یک

جهت به دنیوی و اخروی تقسیم می‌شود و از جهت دیگر، به حیات طیبه و حیات غیر طیبه. زندگی دنیوی از منظر قرآن کریم، ناپایدار و مایه فریب است (آل عمران: ۱۸۵). زندگی دنیا پل و گذرگاهی^۴ است، برای رسیدن به زندگی پایدار و جاویدان در آخرت؛ از منظر قرآن کریم، زندگی حقیقی، در جهان آخرت میسر است؛ به هر حال، رسیدن به حیات طیبه، هدف مهم سبک زندگی مؤمنانه به حساب می‌آید و در قرآن می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷)؛ هر کسی - از مرد یا زن - کار شایسته انجام دهد درحالی که مؤمن است، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

الف) چیستی و قلمرو زندگی پاکیزه (حیات طیبه)

مفسران در معنی «حیات طیبه» (زندگی پاکیزه) تفسیرهای متعددی آورده‌اند که ازجمله آنها: راضی بودن به قضای الهی، توفیق اطاعت از خداوند، ایمان و عمل صالح در حال فقر و توانایی، شیرینی طاعت، به دست حق سپردن تدبیر امور و... است.

در تفسیر جامع البیان برخی از مصادیق زندگی پاکیزه را نمونه‌های زیر بر شمرده است:

۱. «روزی حلال، نیکو و پاکیزه در دنیا؛

۲. حلال خوردن و حلال پوشیدن؛

۳. انجام دادن عمل صالح در حال فقر و توانایی؛

۴. خوش‌بختی».

برخی روزی حلال را مصداق زندگی پاکیزه دانسته‌اند و عده‌ای نیز آن را "به قناعت داشتن و راضی بودن به قسمت و نصیب" تفسیر کرده‌اند، عده‌ای زندگی پاکیزه را "عبادت همراه باروزی حلال" تعبیر کرده و بعضی نیز، به "توفیق بر اطاعت فرمان خدا و مانند آن" تفسیر کرده‌اند» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۸: ۱۱/۳۹۴).

در تفسیر قرطبی، از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که مراد از زندگی پاکیزه، قناعت کردن است (قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۰/۱۷۴). قناعت داشتن از آن جهت، زندگی را پاکیزه می‌سازد که در این

دنیای محدود، بدون قناعت نمی‌توان آرامش داشت، اگر همه جهان را به انسان ببخشند، بازهم دنبال بیش از آن می‌رود، قناعت به انسان طبع بلند می‌دهد تا انسان از خلق بی‌نیازی جوید که بی‌نیازی از خلق و اظهار احتیاج به‌سوی حق، یکی از تفسیرهای حیات طیبه است؛ چنان‌که از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده‌اند که فرمود: «مراد از زندگی پاکیزه معرفت به خدا و درستکاری در پیشگاه اوست» (همان).

با توجه به معانی یادشده، این نتیجه به دست می‌آید که اغلب مفسران، زندگی پاکیزه را، مرتبط با دنیا دانسته‌اند، ولی در عین حال، هیچ منافاتی وجود ندارد که شامل زندگی دنیوی و اخروی شود، چنان‌که عده‌ای از مفسران همین معنا را پذیرفته‌اند. چنان‌که در قرآن کریم «حیات طیبه» به صورت عام و بدون قید و شرط ذکر شده و شامل همه موارد یادشده در تفاسیر می‌شود. بدون شک زمانی، سعادت رخ می‌نماید که در اوج قله انسانیت و معنویت باشد به نحوی که هم در دنیا سعادتمند زندگی کند، هم سعادتمندانه به آخرت منتقل شود.

زندگی پاکیزه در این دنیا، زمانی محقق می‌شود که از آلودگی‌ها پاک باشد؛ زیرا، تا کسی خود را، از آلودگی‌ها پاک نساخته باشد، دچار بدبختی است. اگر پلیدی‌ها از زمین برداشته شود، چهره زندگی و حیات دنیوی به کلی دگرگون می‌شود و به تعبیر شاعر:

زمین سامان خود را بازمی‌یافت زمان دیگر شدن آغاز می‌کرد

چنان‌که در عصر حضرت حجت (ع) زمین بهشت‌گونه می‌شود؛ زیرا تحقق حیات طیبه، به شکل کامل میسر می‌گردد.

آنچه امروزه انسان را در معرض هلاکت قرار داده، دور بودن از سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه است که افراد را در بی‌بندوباری‌ها، خیانت‌ها و ظلم و طغیانگری‌ها غوطه‌ور ساخته است؛ هنگامی که تحقق احکام اسلام به صورت کامل عملی گردد، عمل صالح و ایمان موج بزند، جلوه سعادت نمایان می‌شود.

با توجه به مباحث یادشده این سؤال مطرح می‌شود که زندگی پاکیزه با تمام لوازم آن در کجا ممکن است؟ در این زمینه، دیدگاه‌های مختلف وجود دارد؛ دیدگاه اول آن است که حیات طیبه در همین دنیا میسر است (به روایت عوفی از ابن عباس)؛ بنابر دیدگاه دوم حیات طیبه

تنها در آخرت امکان پذیر است آن هم در بهشت؛ دیدگاه سوم حیات طیبه را به عالم قبر مربوط دانسته است (به روایت ابوغسان از شریک) (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/ ۳۵۷ و ۳۵۶). علاوه بر آن از ابن عباس نقل شده است که می گوید: «زندگی پاکیزه در دنیا است» و طبری از برخی بزرگان چنین نقل کرده که «زندگی پاکیزه در آخرت است زیرا حیات طیبه جز در بهشت امکان ندارد» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴/ ۲۲۴ و ۲۲۳).

طبق دیدگاه برخی مفسران، حیات طیبه در همین دنیا نیز امکان پذیر است و این دیدگاه با قرائنی که از برخی آیات استفاده می شود، سازگاری دارد. چنان که در تفسیر نمونه، در جمع میان دیدگاه مفسران چنین نوشته که شاید نیاز به تذکر نداشته باشد که حیات طیبه، مفهومیست آن چنان وسیع و گسترده است که همه این ها و غیر این ها را دربر می گیرد، زندگی پاکیزه از هر نظر، پاکیزه از آلودگی ها، ظلم ها و خیانت ها، عداوت ها و دشمنی ها، اسارت ها و ذلت ها و انواع نگرانی ها و پاکیزه از هر چیزی است که آب زلال زندگی را، در کام انسان ناگوار می سازد. البته با توجه به این که، به دنبال حیات طیبه، از جزای الهی به نحو احسن سخن به میان آمده، چنین استفاده می شود که حیات طیبه مربوط به دنیا و جزای احسن مربوط به آخرت» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۸: ۱۱/ ۳۹۴).

بنابراین می توان چنین گفت که دسترسی به سعادت بشر بدون پایبند بودن به طبیات و امور معنوی ممکن نیست و هدف مهم قرآن از زندگی، رساندن انسان ها به سعادت است که واقعی باشد. پاکیزه کردن زندگی، علاوه بر اینکه سعادت دنیوی و اخروی را به ارمغان می آورد، آرامش را در زندگی تأمین و تضمین می کند و آلودگی ها را از زندگی می زداید. از آنجا که، انسان نیازمند امنیت و آرامش است، بیش ترین کاربرد کلمه «طبیات» در قرآن برای امور دنیوی بوده است تا سعادت انسان در همه زمینه های دنیوی و اخروی، تأمین گردد.

پس حیات طیبه شامل زندگی دنیا و جهان پس از مرگ می شود که انسان را از کارهای بیهوده می رهاوند و به زندگی پاکیزه می رساند که از آن به رستگاری یاد می شود. رستگاری یعنی رستن از بدی ها و زشتی ها و گرویدن به نیکی ها و خوبی ها چنانچه قرآن نیز فراوان بر این مطلب تأکید کرده است.

قرآن می‌خواهد انسان را به «زندگی پاکیزه‌ای» برساند که هم در آن از نعمت‌های دنیا بهره‌مند شود، هم از نعمت‌های آخرت؛ یعنی در نگاه قرآن، زندگی دنیا بایستی پسندیده اداره شود و بدون هیچگونه غل و غش تأمین گردد؛ از این رو قرآن کریم، چسبیدن به زندگی دنیوی صرف را سرگرمی و بازیچه می‌پندارد و ترک و بریدن از دنیا (رهبانیت) را امر ناپسند و بدعت به حساب می‌آورد^۵ و تنها زندگی پاکیزه را می‌پسندد و برتر می‌داند که در آن خوش‌بختی و سعادت انسان در هردو سرا تأمین گردد.

ب) بسامد طیب در قرآن

کلمه «طیبه» و واژگان مشتق از آن در قرآن، ۵۰ بار در ۲۳ سوره و ۴۶ آیه، تکرار گردیده است. بیشتر موارد استعمال آن، درباره زندگی دنیاست؛ این امر حاکی از آن است که زندگی دنیوی در حیات طیبه قرآن جایگاه خاصی دارد.

در آیات مختلف قرآن، شش بار کلمه «طِيبَاتٍ» با کسر تا و یکبار با تنوین تاء «طِيبَاتٍ» و یک‌مرتبه «طِيبَاتِکُمْ» ذکر شده است که هر هشت مورد درباره روزی حلال دنیا، بحث می‌کند و شش بار به صورت «طِيبًا» ذکر شده که بازهم در امور دنیوی است و دو بار «طِيبَةً» آمده است که هر دو صفت است؛ یکی برای شجره و دیگری برای ریح (باد) و یک‌بار هم «طِيبَةٌ» آمده که صفت «بلدة» (شهر) واقع شده است و یک‌مرتبه «طِيبِین» به کار رفته که صفت برای «ملائكة» آمده است. با توجه به آنچه یاد شد، بیش‌ترین موارد کاربرد مشتقات کلمه طیه، درباره امور دنیوی است، پس می‌توان استفاده کرد که در اسلام، زندگی دنیا حائز اهمیت جدی است که جدا از زندگی اخروی نیست و حیات طیه جامع هر دو سعادت دنیوی و اخروی می‌شود؛ نه آن سعادت که او مانسیم (انسان‌گرایی) مطرح می‌کند.

خواسته قرآن این است که انسان، زمین را بهشت بسازد، بهشتی که در آن امنیت، آرامش و خوشبختی بشر تأمین گردد که البته متفاوت از آن بهشت زمینی است که مکتب‌های مادی مطرح می‌کنند. در بهشت قرآن، تمام نیازهای انسانی در نظر گرفته می‌شود و جایگاه خداوند، ابعاد وجودی و نیازهای مادی و معنوی انسان تأمین می‌گردد.

نتیجه

با توجه به مباحث یادشده می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. نخستین گام در الگوی تربیت معنوی با رویکرد اسلامی، زمینه‌سازی است که مربی باید خودش اقدام کند و مربی نیز او را به راه آورد؛ در تزکیه نخست باید بدی‌ها زدوده شود، آنگاه درصدد جایگزین کردن رفتارهای خوب و اخلاق شایسته برآیند.
 ۲. از آنجاکه عمل وابسته به شناخت است و انسان نیز، موجود شناخت‌گراست؛ لازمه این کار آن است که پس از تزکیه، انواع شناخت درباره خود، خدا، جهان، آموزه‌های اسلامی شکل بگیرد تا زمینه عمل فراهم گردد.
 ۳. مرحله سوم، درونی‌سازی باورهاست. صرف شناخت، نمی‌تواند برای تربیت معنوی مفید باشد؛ زیرا ممکن است برای فردی این شناخت بدون ایمان و اعتقاد به محتوای آن، حاصل شود مانند مستشرقان و کسانی که درباره آموزه‌های اسلامی تحقیق می‌کنند، ولی خود مسلمان نیستند؛ پس، آنچه سبب می‌شود فرد وادار به عمل شود؛ شناخت درونی شده و نفوذ کرده در عمق جان اوست.
 ۴. در تربیت معنوی، صرف عمل کافی نیست؛ بلکه عمل صالح لازم است که توأم با ایمان باشد؛ ایمان شامل باور و اعتقاد، اقرار و عمل می‌شود که درونی شده باشد.
 ۵. نتیجه این مراحل، زندگی پاکیزه بدست می‌آید که در دنیا و آخرت، باعث نجات انسان می‌شود؛ انسان را از بیماری‌ها، گرفتاری‌ها و رنج‌ها نجات می‌دهد یا از دچار شدن به آن پیشگیری می‌کند؛ از افراط و تفریط‌ها جلوگیری می‌کند و ارتباط انسان را با خود، دیگران، طبیعت و خدا را بهبود می‌بخشد.
- زندگی پاکیزه در آخرت توأم با فوز و فلاح و سعادت و رضایت است؛ پس خوشبختی، خوش زیستن و سلامت زندگی دنیا و آخرت تأمین می‌گردد. زندگی درسایه آموزه‌های اسلامی، باعث نزدیکی انسان به کمال مطلق شده و زمینه تحقق اهداف تربیتی به سمت تربیت انسان الهی و معنوی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مراد از معنای دوم هر نوع معنایی در زندگی است، اعم از خدا گرا و غیر خداگرا.
۲. زکّی، کرّضی: نَمّا و زاد.
۳. ایمان و عمل صالح ۵۹ بار در ۳۶ سوره با هم آمده است.
۴. امام علی (علیه السلام): «الدُّنْيَا مَعْبَرَةٌ الْآخِرَةُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۷)
۵. «وَرَهْبَانِيَّةٌ ابْتَدَعُوها مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْها حَقَّ رِعَايَتِها» (حدید: ۵۷)، آیه ۲۷)؛ ولیکن رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آن‌ها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آن‌ها چنان‌که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، اول، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- ابن فارس، أحمد بن فارس، *معجم المقانیس اللغة*، تحقیق: هارون، عبدالسلام محمد، اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- انصاریان، حسین، *تفسیر حکیم*، اول، قم، انتشارات دارالعرفان، بی تا.
- بقوسیان، ژان و محمدی، سعید و بهرام پور، محمد پیام، *انسان ۲۰۲۰ (مهارت های فوق العاده ضروری برای هر انسان موفق در سال ۲۰۲۰)*، تهران، انتشارات تعالی، ۱۳۹۹.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، *شعب الایمان*، تحقیق: محمد السعید بسیونی زغلول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*، تحقیق و تصحیح: مصطفی درایتی، اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد، *دیوان حافظ*، تصحیح: علی محمد رفیعی، پنجم، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۴.
- سالاری فر، محمدرضا و دیگران، *بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی*، اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
- سیف، علی اکبر، *روان شناسی پرورشی نوین: یادگیری و آموزش*، ویرایش هفتم، نهم، تهران، نشر دوران، ۱۳۹۵.
- شبلی نعمانی، *تاریخ علم کلام*، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۶.

- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، اول، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، سوم، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵.
- طوسی، محمد بن الحسن، *الأمالی (للطوسی)*، تحقیق: مؤسسة البعثه، اول، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، *معجم القاموس المحيط*، ترتیب: خلیل مأمون شیخا، سوم، بیروت، انتشارات دارالمعرفه، ۱۴۲۹ق/۲۰۰۴م.
- قرشی بنایی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، ششم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲.
- قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری، *الجامع لاحکام القرآن*، اول، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و گروهی از دانشمندان، *تفسیر نمونه*، بیست و یکم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
- موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه امام*، اول، تهران، مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- میری، محمد، *بررسی مراحل سلوکی «تخلیه» «تخلیه» «تجلیه» و «فنا» در عرفان اسلامی*، فصلنامه علمی عرفان اسلامی سال هفدهم، شماره ۶۵، پاییز ۱۳۹۹.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، *معراج السعاده*، ششم، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۸.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، *فرهنگ قرآن*، دوم، قم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۳.